



۴۲۹۵

تلفی - فهرست شده
۳۶۷۴

بازدید شد
۱۳۸۲



کتابخانه مجلس شورای ملی
نمره دفتر ۱۸۹۸
۲۴۹۱
جلد پنجم
منجمه کتب خریداری جبه
۳۶۷۴

بازرسی شد
۳۶ - ۲۷

کتابخانه
ترجمه میرزا علیخان انزلی و...

۴۲۹۵

1 2 3 4 5 6 7 8 9 10 11 12 13 14 15 16 17 18 19 20 21 22 23 24 25 26 27 28 29 30 31 32 33 34 35 36 37 38 39 40 41 42

۳۶۷۴

بازرسی شد
۳۶ - ۲۷

لکهنویس
ترجمه میرزا علیخان از فرانسوی و انگلیسی

بازدید شد
۱۳۸۲



نمبر دفتر	۲۸۹۱ ۱۸۹۸
کتابخانه مجلس شورای ملی	
جلد پنجم	
منجمله کتب خریداری جهه	ف ۳۵۷۴

۴۳۹۵

کتابخانه مجلس شورای ملی
۳۶۷۴

سیکی دنیا

در روزنامه سنت پترزبورگ نوشته بودیم که استامبولی هزار و شصت و دو نفر
تصاحب یا هرگز نشود و باب واقع شد هر چه که در حاکمیت نیست و تا که در ملک
تتمیم می کند و نیای شایستگی و اقلیت منظر کفیه روز سه شنبه است و هم با
یک رخت به نیمه شب نه که در شبی در شهر کوچه قشک روبرو بنای زین
که در ده بدارده و قیقه نامیده بهر آنکه که در دهات خانرا غلب و خبر خود
خری باقی گذاشته است این شهر شهرت شهرت که شهر باد و شهر پائین شهرت
پائین بهر شهرت غلبه باقی و بقدر ریت و کاخ خانه شهرت و در باب و کانی
و طواغین و صوامع و مدارس و رباطات و خارت کجا دارد و کجا و در کجاست
زیر اوار مانده اند این طوفان در تکیه اوار ناخا هر سه و پس در کجاست
شهر رجبی بهر کرده و در شرق و در غرب و در جنوب و در شمال هر چه خانه
و در احوال بهر کجاست و ما بهر ما بهر خطی که از باب و در در و در
فرمانت تخمین شده است این طوفان با فاش شد و در جنوب کانی
زن در زنه های زار عین را که از لهر زور بهر با حیوانات نیکو شده است

ترجمه روزنامه جات فرانسه

کانون و درو لعه به چندین هزار دلاستین شگفت
 نفعی هیچ و هیچ نفعی
 یک شوهر وزن که در خرده کار میکشند طوفان را دینز به یکدیگر در او میشد
 بعد از یک طوفانی آنها را گرفت شوهر مدوش کشته بر زمین فلک و طوفانی
 زن را رانده به هوا بردند گمزه بر بدن زن را در شقی در آن وضع
 یافته اند که موضع غری مجروح شده بود لب زردار عین کبر صحت
 ماین شهر جیستر و زو مبر و طوفان کاس که پای راه آهن را که رفتن
 نایم در میان آنها بود نوعی سه کونی شده که تا نا خورد شده است
 در شهر جیستر چنانی سیر که در راه آهن ماکو نفر مجروح و کشته شده
 چون سیم تکلاف شهر جیستر پاره شده باخته اخبار خیلی در سیر
 چین کینفر از صحنه صبا بن بیک در باب کوه چینی که در
 و موسوم به کوه شاکت و بر شقی چینی که در سر حد کن رایت طوفان
 مکرر شده و دلت و آن این است که سردار مکرر در یکی از ریمانهای
 بزرگ در شهر بکسل خدمت کرده است در سه هندو شصت و شصت
 در نفر از این چین در ریمان مکرر بکسل سربازی و خدمه و سربازان و کلاه

باز

با خودانی رسید منزل او در سبازخانه بود و با جلای کتایف خود مرد
 این ش نر او پس با استعدادی تندرست شد که هر وقت از کتایف
 خدمات مبرجده فرخت صمدیکه فوراً از سبازخانه پروان شده و اغلب
 اوقات در راز وقت عین مرجب فیسو چون خدمت و خطای او
 به بتلی و توانی از حاضر شدن بود ابتدا سبازخانه اخلاص میفرستاد
 همیشه با همشان خود پروان شده و با آنها همراه به شرب و نائوس بود
 اگال چین کاکل داشت و بقاعده معمول خوشان چندی از ارتش بود
 چند ماه بعد از درو شهر بکسل از دولت قبضه خود اجازه خواست که از
 کتایف کند دولت چین در انبیا اجازه نداد و نه از کتایف کاکل
 روی سه قهرمید و در سبازخانه و صورت لزوم کده و زور بر داشته
 از انمایان میباش چند بار در انبیا دولت چین اظهار حال
 آن دولت بقدری اصرار کرد که دولت ش را لیا اورا ازونی ماکو که
 مانند اگال از و قهرمید بهر ش هفده مکرر دولت فرانسه را در
 و از لاکالی آن دولت قهر بود و عظیم را نیز پوشیده و پنهانی نمیداد

و همیشه آنها را سگ می نامید هر چه خواست عدت و سب این عدالت
 بر انداختی معلوم شد بلکه آنها یک با دوست موافقت و مرقت داشتند
 انطباق را در کتب کردند و یک وقتی از او شنیده اند که گفته اند که قیام
 که غارم بکن بوده است زنی را که شهادت داده بود و حضرت و شهادت داده بود
 و با و اظهار عشق کرده بود ^{مخصوصه} آنکه فرمود از زریانی پناه نظام
 بگریک در او آید نه اندوخته شد و پیرون آمده و به زریانی دول
 بگریک داخل شد و در آنجا تا وقتی بود که زریانی توپخانه فرمود در آخر ماه رومی ۱۸۶۰
 مسی در ابتدای جنگ فرانسه و آلمان در جلوه لوگ بمباران موقی
 احیاء نمود در همان وقت بمبکت و وطن خود مصاحبت کرده و آنجا
 قتل چینی در صدر تن کن بر قرار است
 جزیره را و که متعلق بدولت بلاند است بر وزن مد زو
 تفصیل ذیل تاریخ یازدهم ماه سپتامبر نوشته اند در طی مطالعیه
 در باب حال جزیره را و ابطیع رسیدت و آنجا اخلاق شد و ملکیت
 که مقصد انطباق را جهت داشتن هر کس بر وجه صحت وقت بنفازم
 تا

تا معلوم شود چگونه نبهت جزیره کاراکا تو را در وسط نواز سهند
 واقع و از سطح دریا بقدر شصت متر ارتفاع داشته و در آن ده کیلومتر
 جزیره مزبور به واسطه کوه های تشقش که در زیر آب واقع بود
 در آب فرو شده و بقدر رزده ای متر آب بادی آنرا فرو کرده
 و هر چه در آنجا بود در آن داخل آب کرده است چنانچه بوی که
 در جزیره مزبور اصدات کرده بود و خانه های سنگی عجايب و اماکن
 و در آنجا سنگ داشت بواسطه امواج دریا بقتل خراب و منهدم و در آنجا
 ثاری باقی مانده است چون رده اندوخته شده و مقصد اخبار شکل کانی
 که فوراً از کم و کیف این واقعه کتب معلوم نموده اند ایشان در این خصوص
 و توضیح انطباق بناید و بموجب اخبار که رسیده اند در بعضی کتب
 صحت معلوم شده که شدت تراکم امواج و عودت بحالت رزده بود
 سهند تا روز و قدری نگه داشت در باطن و پای سخت جزیره را و
 که بابت صدوسی و پنج متر از کاراکا تو واقع است چنانچه کارهای
 و بعلت خاکستری که از هوا باریده است هوا تاریک شده است در آنجا

با ملک خرت وارد دنیا وروده یکس قس شدت بنا بر این خبریکه
 وایر بر این کجاست نه زلف از لهر چین و دست نعل از لاله اروپا
 شده ندر خدیف و دروغ است و سیکه این خبر را درش روداده و منظر
 جز مضطرب راضی قلوب محرم نه است

از لندن تاریخ افرام ماه پیا بر مکراف شده روزنامه تا غیر درج
 روزنامه مالی المانی فیوید دولت انگلیس طالب است با دولت فرانسه در
 آنگل و موقت شهر با دولت المانی نیز موقت تمام دارد و به جهت با محاکم
 از لندن المانی و فرانسه مایل و شایق نیست متعده و متعده شود و کفیه با هر دو
 و سی و اکت پیر دولت المانی اگر قوه و قدرت هشتیم به باب نیست
 عمومی و کفیه بود متعده و متعده و متعده و متعده و متعده و متعده
 و این شهاب متعده و متعده و متعده و متعده و متعده و متعده

از پاریس تاریخ افرام ماه پیا بر مکراف شده روزنامه تا غیر درج
 چنین به خط میریزد که ریاست دولت چین بر مملکت لنام و کره و خط ام
 مکنون لندن اروپا متعده و متعده و متعده و متعده و متعده و متعده
 اتفاق

اتفاق لندن اروپا از لندن کشته و اتمام دارد که لندن شهاب فایده و پیشه
 و خیالش بر این است که جهت تجارت المانی اروپا حد محدودی قضا که و منی را
 که در لندن فرانسه و انگلیس هیچ جهت متعده و متعده و متعده و متعده
 در هیچ حالت راضی نخواهد شد که شهاب و لندن اروپا در طرف شرق منوط
 بخالی است چنانچه بهر زنگه خدایت دولت چین برای تجارت المانی لندن
 در شرق زمین ضررهای کفیه و متعده

روس در لندن شهاب تا جفا آتش کفیه و متعده و متعده و متعده
 بر زمین شهاب و لندن دولت فرانسه و متعده و متعده و متعده و متعده
 از لندن شهاب تا جفا آتش کفیه و متعده و متعده و متعده و متعده
 و غلیظی جمع شده نوعی است که محکم کفیه را نمی بینند این خبر در روزنامه
 نه اند و شهاب و متعده و متعده و متعده و متعده و متعده

تقصیر و میر در روزنامه زمین نیست انگلیس متعده و متعده و متعده و متعده
 دولت انگلیس هیچ جهت متعده و متعده و متعده و متعده و متعده و متعده
 راجع به لندن و متعده و متعده و متعده و متعده و متعده و متعده

از این که دولت فرانسه توسط او در اقلی نایب با جمله اما و عذرش بهر
 از این که عیضت انگلیس متعصب توسط بهر و وید آن است که با کمال
 بدلت چین اظهار نموده است روزنامه فروردین در ختام کلام میگوید
 مارکی تسن از طرفت خود و تعلیمات دریاف نموده است که وایر بر این
 دولت انگلیس را بتمام توسط و در روز روزنامهجات فرانسه
 در مقام رسیدن بهر این که در مملکت کن کن قطعه زمین متعلق به
 مطالب میوید و این قطعه زمین پر خاکی را که متعلق به دولت فرانسه
 از خاک دولت چین منضم نماید در بر کسل پاشی است بزرگ
 نوشته اند که مملکت پلش که گوییم سیم بالیو لکمانه که در آنجا واقع است
 و سفت پلش بزرگ به بلند باب استقامت آنکه و سفت و لین آن
 و بزرگ پلش بطریقه بعضی حقوق که که ماین و لین برقرار است و سفت
 شده و از هر چه اشیاء کامیابان خفته اند

قراجه داغ یک در روزنامهجات قلمبه داغ از شایع سفت پرسن
 امیر قلمبه داغ با سید مول انظار خرقی میاید روابط قراجه داغ با
 کمال قراجه

کمال سوت است و نظریات اینها بعضی گفتگوهای مایه است و عذرش
 در میان است رفع شده و در باب سرحد سرحد قلمبه داغ و خفته
 از آنجا که دولت عثمانی بر عیای خود مستط کرده است در سرحد ششم و است
 کمال برقرار خفته است ارتباط در بین دولت عثمانی و قراجه داغ چنانچه
 پرسن میگوید در اسد سید قلمبه رونق کلی خفته است

فرانسه کلام بر سر زمین تاریخ چهاردهم ماه سپتامبر در عیضت
 رسیده است پس از جنگ پانزدهم ماه او با وجود سید نیک که که
 پنج کیلومتر از قشون پانزدهم بگری و کیلومتر از عیضت آن است و است
 توانانه در تحت ریاست جبرال بوه بطرف سنگ تاسی سرابلا و
 در اول ماه سپتامبر قشون فرانسه بر موقع محکم واقع در دی بوه نویش بوه
 شمر ساحت است پس از جنگ ساحت و سنگ زیاده شمر ساحت
 پان لک با این که قشون تابینه در آب فروخته شده است و است
 خوب در آنها ظاهر شده قریب چهار هزار قشون دشمن است خفته و است
 چنانسی با آنها بر سر بوه ساحت توانانه فرانسه در سید نبوی که که

عثمانی در روزنامه‌های مورخ تاریخ پست ششم ماه اکتبر ۱۸۸۳
نوشته است که چند روز قبل ازین خبر به بطبع رسیده و ایر بر این بوده که چنانچه
فرمانده است امروز کار کار کرده و در ترنم خبر رسیده که غیر بر عدم

این خبر است

بجهت آنکه مرض و با در آنست در روز گذشته علی‌حضرت سلطان
غرض آنکه در وضع قانون خط صحیحتره مسفرین و ایشانکه در
می آورند بگذرانند که مرض مزبور کبابی گیر سر است کند

در آرمید اطراف و حواشی آن اتصال زمین زلزله حادث شده
خاصه در روز سه شنبه در بخوار میر نوعی آتش آید یا قه که ده مرتبه زلزله
شده است و با این حالت خجسته و خجسته و در دنیا است

خانیکه در چشم و حواله و حواشی آن بعلت حدوث زلزله گشته
از دست بگذارد بآب تمهید است بپناه نفر در زیر اوار مانده و زلزله
و سیصد نفر هم مجروح شده

بلغارستان جنیکه با بعالی در وقایع اینتره بلغارستان
نمونه

نموده است خالی از سخت است هر چند دولت عثمانی بدو اعلی‌حضرت
نراش که در امور داخله مملکت مزبور را خلع کند و بر سر آنکه بقت آن
و قایع را مدخله نموده و یقین حاصل کرد که خیال بلغارستان و ادعای او بماند
برکن منافات دارد و ناچار است و نیز آنکه در مقابل کس اینک سابق
شده اند ساکت بماند با بعالی یادداشتی بدولت مخطوطه نوشته و ایر بر این است
که نطقش نهاده بلغارستان در فستاج مجلس و کار و جو سپیکه مجلس مزبور
با حقوق سلطان بی‌بافت و در جواب مجلس و ایر بر این بوده که بلغارستان
سلطان مستبد است و آتش بماند با بعالی اعلی‌حضرت خوار در این مسئله

جواب بطلان بلغارستان بتمام شکایت بطلان
روزنامه آرناس عا و اس خبره که مستطیر و تاریخ پست پنجم ماه اکتبر
از صوفیه نوشته است جنرال لیسوی جنرال اجودانی شاهزاده
و کاپتن پولی کف صاحب منصب کشیک شاهزاده مزبور که از لیسوی
حب الله علیحضرت امپراطور روس بملکت خود اخبار شده اند
اسپانیا کاغذی از اسپرا واقعه در لیسوی رسیده

و اطلب خواسته که اگر با جرات فرانسه جنگ کند ضرر مستعد باشد
خارج در آنجا در وضع احوال شوش باشد

از قاهره مورخه پست و دوم نوامبر قشون خیرال حکیم در سودان
در جنگ با جمعی هلاک شده اند خیرال حکیم در خبر که یوسف اسکندر
از قاهره تا پنجم نوامبر جنگ طر شد و در جمیع جهات یقیناً جان بدست
بر برجه است

از قاهره مورخه پست و دوم خبر دیگر رسیده که دایر برایت شمرده
سیصد هزار نفر نوده و قشون خیرال حکیم در هسنه از روپا نفر
که در میان آنها ده نفر صاحب منصب انگیز بوده است
دولت مصر با قشون سودان را در خارج توهم جمع قتل نموده

از لندن مورخه پست و دوم دولت چین بر حال اردو
یادداشتی شده و ریاست خود را بر تمام اظهار داشته و گفته است
در صورتیکه جنگ بطور رسد دولت فرانسه ممکن است چندین جنگ کند
قشون چینی بکانتون وارد شوند و ما بین دولت چین و جماعت علم سیه

معاذ

معاذ و مخبر شده و جنگ بین فرانسه و چین واقع نخواهد شد
و اجتناب از پذیرفتن آنند و قشون چینی به جایگزینی
یورش برده و پذیرفتن ساعت جنگ عقب نشینند

در روزنامه آن مورخه ششم ماه اکتبر سنه هزار و شصت و شصت و شصت
نوشته است موافق ملامی که از مادر پادشاهی است اسپانیایی
ششم اکتبر رسیده معلوم شود که اخبار راجع بوضع ماعده و فرانسه

در وضع اشتباهیکه ما بین دو تین فرانسه و اسپانیایی در ویا
پلیتیکه از خوب نبجید است تغییرات اسپانیایی است
قبوعه خود مکرر کرده که با سیوش لاکو وزیر امور خارجه
دولت فرانسه و با سیوش فری ملاقات کرده و شش را بهایا
موت و محبت از او پذیرا کرده اند یادداشت روزنامه

فرانسه که امروز بطبع رسیده است اسباب اطمینان خاطر محکم
در روزنامه از شما مجلات اسپانیایی نویسند که تقارن دو تین فرانسه
بر طرف شده و دولت اسپانیایی از اخبارات و تانده دولت فرانسه

و آنکه فرانسه نسبت با سپانیا باید راضی و خشنود باشد
بعضی از روزنامه‌جات دیگر اسپانیا از تباریج مذکرات مفیده
و کفران نوزده اظهار خوشحالی نموده و میگویند مذکرات مذکور
اسباب این خواهند شد که دولت فرانسه از جنگ با اسپانیا
اتحاد نموده و درین اتحاد کفایت بشود و بدین ترتیب که
آنها برای طرفین اسباب ضرر و حل دیگر آفات می‌شود و آنچه
از ما دید تباریخ ششم ماه اکتبر مکرر شده که امروز صبح روزنامه
ازاد و شمس را که اسباب ششم کشوی ما بین فرانسه و اسپانیا
شده است پسندیدند روزنامه‌جات جمهوری اسپانیا و
تسلیت می‌نمایند از اینکه بباب جنگ را فراهم نیامده و در هر
این است که جنگ اسباب ضرر کلی بفرانسیس می‌شود

اعلیحضرت پادشاه اسپانیا در روز ششم ماه اکتبر از سفرهای خارج
و اخراج آنها پذیرا و بعد کرده و نسبت به شازده و فرزند فرانسه
خود اعلیحضرت پادشاه و زوجه ایشان کمال محبت و مهرانه را بدولت

و فراموشی آنکه کوفی فرانسه بجمهورش در قه و بجهت و آنچه که در پیش
ماه سپتامبر به پیش اسپانیا وارد آمده بود حضرت خوانده است
و اشخاص زیادی آن حضرت نامه را مضایقه کرده اند
روزنامه‌های حاجت کنند و از ارشاد کشکوی و ولین فرانسه
و اسپانیا راضی نیستند میسواکاستا اتهامات لایه
می‌نماید که در را غرض و اتفاق با یکدیگر گناه کرده و عدم استغفار آنها
تبعویق نیستند تا که همگی ترس می‌دهند و مع ذلک اغلب روزها
می‌خواهند در این همه از مناصب خود استعفا نمایند

از ما دید تباریخ ششم ماه سپتامبر مکرر شده که روزنامه لیرال
اسپانیا می‌نویسد که ولین فرانسه و اسپانیا باید با یکدیگر بطور کامل
کشتند و ضمناً اظهار داشته که صفات حسنه‌ای فرانسه معایب
از نظر می‌کنند و در فرانسه و ولین فرانسه و ولین فرانسه و ولین فرانسه
اسپانیول بواسطه اینکه فریاد می‌شود که اکثر بر لایحه در ما دیده
از ما دید تباریخ ششم ماه اکتبر مکرر شده که میسواکاستا محض

بروم حالت اصلاح خود را ظاهر سازد متعهد گردیده که مطابق
کلونی دولت فرانسه را در داد و درید بنظر داشت و اسپانیا برسان
از داد و درید تاریخ ششم ماه اکتبر مکراف شده که بموجب روزنامه
ال کوره رو معلوم شود و به علاوه خارخانه و وزیر امور خارجه دولت
اسپانیا اب از انفس و از دهم پادشاه اسپانیا
کرده و بجهت نگرانی بدست شده ما دیدیم جهت کرده ایشان را تاج
و تیت نشانه

مخبره از انگلیس رسید که دیر بر این است انتقالش جدیدی در کلان
بطور رسیده و قونول یکی دینار را بقتل رسانیده و به هیچ مکرانی
که موجب صحت انطباق به دولت فرانسه رسیده است

به پرسس ما و کرد اتو غیر یونان در پاریس صدمه غیر معمولی است
با نمینی که ششم ماه اکتبر پرا و طیا پنجه شش لوله را اقباع کرده
میخواهد از رضا طیا پنجه پر بوده خاله شده و کلوله به پسر غیر شراریه خرده
بصدار صدمات زیاد صبح روز دیگر جان را تسلیم نمود

پیش

چین و ماچین از مایکون تاریخ ششم ماه اکتبر به ارانجا
مکراف شده که بموجب اخبار یک دپت ششم ماه سپتامبر از جاکو
رسیده است معلوم شود که صاحبان آتام با امور دولت فرانسه
به سیو عارمان تسلیم و اطاعت پیش نهاده جماعت
علم سیاه که بواسطه امر اض و جنگهای آخر عشر انکالف شده و
رقه عقب می نشینند راه از جاکوئی تا سونک اسی انیشتر
نموده و دشمنان را از آنجا رفته است اما صیکه در حول و حوش آن
بجز نیز رفته اند آنچه یقین می یست سران فرانسه
به ریور و پست و عث نگرانی از دشمنی او در فوهای پیدا شده است
کاشته روزنامه سنطرال نیز در پاریس دشب با ماری تسکند
ملاقات نموده است و از گفتگوی آنها چنین استنباط میشود که دولت چین
مایل به صلح است ولی املای چین شایق بجنبش و وضع احوال در کلان
هنوز منقوش است مردم بطوری متغیر است که صاحبان
از فحاشی و صدمت آنها اسوده نیستند نوعی شده که نسبت به بعضی از آنها

حمله و یورش برده اند و دولت چین تیرمدا را اینک خواندند و
 کرده بطنم و ایت برقرار نماید جانشین مالک جنوب چین نظر
 احوال لازم دانسته است که بر شرف ساحل کانتون بفرستد و در آنجا
 که قشون وارد شود همچنان و خروش محمد آغا خان را در مسکو و
 با این قصد مارت که است که اعتلاش بر این است دولت چین
 کفایت در رد که در صورتیکه با مالی اردو پایش برده شود و
 اعتلاش نماید و ضمناً اظهار داشته بود که کیفیت تن کن اسباب
 مردم نه شایسته بفرانسه ماعدات پیدا کرده و بلکه خود
 نبت با مال خارج حالت کینه و دشمنی دارند او یک
 چنین وانمود کرده اند که مال چین مایه جنگ نیستند و حاضر در دولت
 از جنگ با دولت فرانسه مانع نمایند و نیز تحقیق مطلب بر حسب
 این است و اما چین راغب و شایق بجنگ نبوده و دولت چین
 صلح آمیز دارد روزنامه تان میگوید که تان با مال
 که دولت چین مدخله اهل عامه نماید هرگاه دولت چین از غش

دولت

ولایت جنوب خود داشته باشد و اعتراف کند بر اینکه قادر
 بر دفع اعتلاش نیست خود دولت اسباب اهل این وضع احوال
 کردید دولت دولت چین دولت فرانسه را مانع از جنگ
 در تن کن کرده و دشمنی با کوانگسی و یونان را که میبایست
 برق جماعت علم سیاه بجزت نموده فرار کرده و خبرهای دفع
 انتشار ملالت و با بیواسطه اسباب همچنان و اضطراب مالی
 کرده است و اما آگاهی معروف بشارت و نبت با مال خارج
 دارند خود دولت چین اسباب این شده که وقایع اولیه در کن
 بطور برسد احوال دولت چین میخواهد دفع اعتلاش را نماید ولی
 ظاهر قادر بر آن نیست و اعتلاش و تغییر آغا خان را میبیند
 بموجب روایت مارت که است که این شهر پیشتر بواسطه ورود
 که خدیو ولایت جنوب چین برای تقویت قشون ساحل خوار خوار
 قشون چینی اظهار دارند و بکلمه استعداد و تربیتی که دارند از جهت آن است
 که مال مالک خارج اظهار تعلیم و شوق دارند هرگاه دولت چین

اتهام نماید قبولند و کائنات نظم و انیت را برقرار کند کلیه مردم را
 راه فرود و طمعی را میبندد لازم است به خط برسانیم که این
 شهر بزرگ از شهر هندوستان و پادشاه است تا شهر هزار و شصت و شصت
 تا و پیدایش است و حقیقت دولت چنین تیرسد که این شهر عظمی
 بطور بر سر توطیه و تمییدات و مجالس مخفیته بر موجب فرید شریف است
 ش را الیها مشر جماعت لا اوس که بطرف ولایات شمال
 مملکت سیام است و تا راورده اند میتوان بخوبی بطرف یونان
 مراجعت کرده و راهی را حیشار نمایند که زمان شورش سلاطین
 اختیار کرده بودند و آنها نیز در این شورش بیدار بودند و این
 در هر صورت لازم است به خط برسانیم که مارکی تکست که در این
 اقلیدر مایه بخت بود و محتاج اظهار داشته است که دولت قبولند و تصد
 صلح انیز دارد و سپهر به راغب بخت است
 فرانسه کنت دورک و دشمن تن در صحرای لواره و اقلیدر مملکت
 بشکار رفته بود و زاینکه از میان بونه زاری یکدسته قحاق لشک او بود
 ۱۰۰

نبوده و تفکک بسینه او خالی گردید این شخص بهر جهت بر شوال
 داشت زوجه او یک سال قبل فوت کرده است
 از آمدن تبار پنج پسر هم ماه اکبر روزنامه تان مکرر
 نموده بودند که شش روزنامه استاندارد در وینه با همپا
 در این اواخر ملاقات نموده و همپا را با و لفته است که خیال
 اعلی حضرت سلطان عثمانی در باب ارمنستان خیلی مشغول است
 دولت عثمانی حالا اقلیدر مایه ندارد که بمول و دشمن اصلاحات جدید
 بر دارد از برکن روزنامه تأیید مکرر است که در فرسار
 بدست نخست و موافق قتل و طیب باید از هر گونه کاری که
 راجع بخیاالت اجتناب نماید

پیرین و ماچین که شش روزنامه تانیز و خبر دهند که خبر
 که بموجب اخباریکه از سمت شمال سیدت معلوم شد که چینی با و صد و شصت
 که تحقیقات کامله بعد از آن و دو هزار و پانصد نفر از قشون چینی
 شرکت کرده و بدون تأخیر بطرف آنام حرکت نمایند و احتمال دارد

که مقصود نگاشته روزنامه تا یک شش و از سر حد تن کن بوده است
نگاشته روزنامه استناد دارد و در این چنین اعلان منیاید که
مملکت پیام توسط قنصل دولت اطیش در بخیر و بخت کند
و در برابر قضاوت پیشش اوله موسوم بشول خف فرمایش است
که در کار خاتمات اطیش باشد

از بودایت تاریخ نهم ماه اکتبر نوشته اند که و مباحثه که
در مجلس وکلای مجارستان در باب منازعه مالک مجارستان
و کرواسی میان آمده است چنانچه این منازعه را کلا واضح نموده
و رفتار و زرا مجارستان را معلوم ساخته است
رئیس شورا و کت تراپاری و زریالیات مجارستان هر
بجه توضیح همیشه نطق نموده و مطالبی که زریالیات مذکور
نظاره داشته بود در برابر اشخاصیکه برای او ضد بودند از کلام
از توضیحات آنها چنین استنتاج میشود که زرا سابق مجارستان
در باب این مناسبت مجارستان با کمال پغرضی کشش نموده

بدواری نشان نبر مجارستان بخیر اسلمه مملکت مجارستان
چیزی نبود علیم و زینت مجارستان و کرواسی روی آن
ملاحظه شده ولی چیزی نوشته نشده رقه رقه در کرواسی
احیاء نمودند که در شمار روی نشان اسلمه کرواسی بکرواسی
نشانهایکه علامت مجارستان و کرواسی بود و شطرنجیان
قدیمند و بالاخره در دفتر کتایف و سرحد از نشان
مجارستان و از نشانیکه علامت زینت مجارستان و کرواسی
بود هر دو صرف نظر نموده و شطرنجیان کرواسی اختصاص دادند
و حال آنکه این رفتار در تحت موافقت و زرا مجارستان بوده
و در انظار دول خارجه بخر مملکت مجارستان محبوب نبوده
در اینصورت دولت مجارستان دفعه را ضرب این امر نمیشد
و نمیتوانست انعطاف را غیر معتنا به شمارد و آنکه از اینکارگاه
بنود یا بواسطه کارهای عمده دیگر در انطباق اجمال مینمود و بجه
کنت زاپاری بیکه مبند وزارت مالیه رسید در مطلب

خیل ایت دشت وقت کامل بعد آوردن شایسته
وزارتخانه که و اسی در شهر بود است زده میشد زبان مجارستان
و کرواسی متفوش بود کنت زاپاری از روی دیوار
کشت چرخه در بود است که هموز را کرواسی پاشه و متداول بود
چگونه می شود که در مملکت کرواسی بان عیاد و ایراد کثرت از سر نه برآورد
هشتصد و ششاد در اناب با حکومت کرواسی کشت نمود و انان
کرواسی نیز معترف شده که نقش نشان بهر وزیران موافق قانون
مباشه و منظور حکومت کرواسی تا این اواخر نیز همین بود و بعد
از این در شاطم خلفه کرواسی نشان بهر وزیران نقش شده بود
در اناب متاوتی بهر ایلی مال در وضع تغییر بهر سیده است
در هشتم ماه اوسنه هزار و شصت و ششاد و سه در شهر اکران
در کرواسی نشان کرواسی خط متفوش شد و از سیر و هم ماه
انسانی کرواسی اظهار تشویش کردند از اینکه مبادا مردم
مخص این شهر اختلاف آرا پیدا کرده و طوق اطاعت را
از آن

از گردن خود نیندازند و انسانی مزبور به دولت اطریش
که قشونی برای ایت بی شک ضرور خواهد شد و نیز اظهار
مرگانه انقشای رود به آنها حاضر است و خواهد بود که کمال
اتهام را در رفع انقشای نمایند اعیان کرواسی
خود را خلع کرده و بجای آنها مباشرت مخصوص مجارستان
و این شهر دلیل بر این است که دولت اطریش با مجارستان
مواثقت کرده است بهر صورت مردمان جری و جور در اناب
مستکی را که مدت ها ترصد بودند بدست آورده و شتم غلامان
میان مردم پاشیده و اسباب تحریک شدند حکومت
مجارستان بقدریکه توانست طریق اصلاح را پیش گرفت
دیگر مستکی تبه شورشیان باقی نماند رئیس شورای
مجارستان میگوید اعتقاد کلی فر این است که شهر نشان
تبه و اعتد انقشای شریعت و امید آنم که بعضی اشرار بهر
وقتیکه بتوانند طلیت و زبان ملت خود را بشینا و خاطر خلوت نمایند

حالت خرابی ایشان پیشتر خواهد کرد و در حقیقت هیچ اهل بیابان
 در صورتیکه بپند که بواسطه بعضی اقدامات میشود زبان طعنه
 روی نشان مفتح نمایند البته اسباب خیال آنها شده و بر
 راضی باین امر گردیده بتمام مقاصد بر خواهند خواست باین
 اگر طالب صلح باشد و نخواهند قوه جبری ظاهر شود باید راضی بر این
 حتی را که اسباب باین اعتنا شست بر طرف نمایند بهتر
 دولت مجارستان با وجوئیکه مقاصد صلح آینه دارد در صد
 استرضای خاطر امانی کرواسی کاملاً بر نیامده است و امانی کرواسی
 میخواهند که در نشانهای مکتب کرواسی خط زبان خودشان بر
 آنچه دولت مجارستان طالب است این است که بوضع قدیم
 معمول شو یعنی روی نشان دولت در کرواسی پس چه نقشه
 این قهره برخلاف قانونیست و حقوق دولت مجارستان
 و همین ضرری وارد نخواهد آورد و این قهره دلیل بر این است
 که دولت مجارستان طالبیست که بواسطه خود خواهی بعضی

درین

متعین قانون اسباب اشغال و عتبات که خوف نظم و انضباط
 فراهم آورد ولی گشت زاپاری بواسطه توضیحات کامله و تبانی
 خود قبل از وقت مدلل نموده است که دولت مجارستان اقدامات
 امانی کرواسی بخلاف حقوق مجارستان بعمل آورده اند و گفتند
 و جهات تحقیق اعتنا شست را در زاکوبری و حدود قدیمه نظامی
 توضیح نموده است و قبل از وقت ثابت کرده که در کرواسی گمان
 جز مالیات بلاد را اند نمیناید و اداره مالیات مجارستان پس
 سبک بعضی اخذ خراج را که در کرواسی مستأول است ندارد
 و بسپوچه در انجاب بهرامی نمیناید وزیر مالیات مجارستان
 بعلاوه اظهار داشته است که در حدود و شعور نظم می کرواسی
 و مقابل بکلیه بعضی با پیشتر اند نمیناید و این قهره بهر جهت
 از این که چرا امانی کرواسی از کراف بودن مالیات شکایت دارد
 و انیطلب بواسطه تعدی حکومت محلیه کرواسی میباشند که مردم آن
 تعدی و اجحاف نمیناید وزیر فریور نیز گفته که از پانصد چهل و دو

کرواسی در سنه هزار و شصت و شتا و حکام خبر در صد و پست
 قریب صدی کلی نموده اند و مبلغی که اجاف کرده اند بر صد و پانزده
 فرانک رسیده است و بر همه کس واضح است که در اغلب
 و مقامان که بر ضد حکام و که خدایان خود شورش نموده اند
 که حکام کل از قرا و جابا می که باید مایات گرفته شود موافقت
 داشته باشند و از صد و پست و شش محلی که در آنها احباب
 و تعدی شده است و بحث جابا این شهر واضح و آشکارا
 نباشد و باید دانست که به شورش و اغتشاش وضع حکومت
 کرواسی است و نباید جبهه اغتشاش را بودن نشان باشد
 و مجارستان ثبت داد

کنت زاپاری نظر باینکه جبهه حقیقی اغتشاش را معلوم نموده است
 اسباب این شده که متاعیل ملک از او امان داشته باشند
 از وضع پان او برای مایعین کل مصلحت که دولت مجارستان
 بدون تردید و قائل آنچه لازم اقدامات است بهل خفیه الله که جابا

جدید را که واضح و آشکار شده است بجای بر طرف نموده و با
 نظم و انضباط فراهم آورده است

رومانی موافق اطلاعات روزنامه کرس پندان
 پلیتیک معلوم می شود که مجلس قمتیونیکه اجراء آن از قبل خارجیت
 و بجهت صد و بلغارستان و رومانی و سربتن روی رودخانه
 و انوب است و این مقررات روز پنجشنبه نوامبر در کاتس منعقد شده
 عثمانی از پروت تاریخ هفدهم ماه اکتبر خبر داده اند
 که بر دیواری و دمشق بعضی اعلانات چسبانده اند و ایرلین
 مردم و دمشق میخواهند طوق بغیت دولت عثمانی را از گردن
 پندارند و ضمناً از قمار حمی پاشا مدت کرده و اغراب
 تحریک نموده اند که در مقابل با اعتدالیهای اشخاصیکه از
 مأمور شده اند متعاضد نمایند این اعلانات که میان صبا
 عثمانی اسباب اضطراب کل گردیده است از قرا که معلوم شده
 بتوسط یکی از اجزاء خانوادگی که متمول و معتبرترین خانواده های
 مشهور است

نوشته شده است مرد آن خانوادہ را کلا و سیکر و دو نوشتجات
 آنها را دست آوردند و دست مجلس از آنها استنطاق خواہد
 و بانہا سخن شدہ است کہ با دوستان خود معاشرت نمایند آنچہ
 میاید رئیس آن خانوادہ را نفی بلد خوانند کہ از تاج مضطر
 الحال میان جماعت اعراب است توشن کل ماصل است
 مصر در روزنامہ موریاں و پ نوامیک نوشته است
 کہ در وزارت جنگ دولت انگلیس چنین قرار شدہ کہ قویکہ در مصر
 شدہ است برای لک بچہ کلنل جیکس نفرستند تا آنکہ تواند در سودا
 مدی را شکست داد دولت انگلیس لازم میداند کہ کار بفرستد
 با تخریب ساز

از وینہ تا اینجہ میت و یکم ماہ اکبر مکراف شدہ است کہ ہشہ ایندہ
 در وینہ مجلس کنفرانس منعقد خواہد شد و مجلس فروردہ مرکب
 از صاحب منصبان نظامی خواہند بود تجدد نظام توشن اطیش
 و مجارستان پرداختہ و تجرباتی را کہ این او آخر حاصل نمودند

در اینجہ

در امور عسکریہ بجز بند این مجالس بہت ریاست علیحدہ
 امپراطور اتقا و خواہد یافت مجار پاشا از وینہ عازم شدہ است
 از جانی خبر صریح رسیدہ کہ دو تین اطیش و المان توسط احوال
 انظار نمودند کنت کانوکی با منور سلطان از باب تعاضد
 دولت اطیش اسودہ خاطر کردہ است روزنامہ
 فردن بات کہ از روزنامجات اطیش است فیویدہ مطابکہ
 راجع بہ نگاہ اری صلح و ایت است دولت عثمانی تواند
 از تقویت و اتحاد دو تین اطیش و المان اطمینان داشتہ باشد
 از بون صاحب منصبان زیاد المان در قشون عثمانی معلوم میشود
 کہ بمجار پاشا در برلن پذیرائی فوق العادہ نمودند و عاقبت
 صاحب منصبان المانی در قشون مصر افزودہ خواہد شد و اعلیٰ حضرت
 کیوم بر اینکار راضی شدہ اند فردا معاہدہ را بہای امنی شرق
 برای عربستان و بلغارستان با مضای خواہد رسید
 از تونس تا اینجہ پستم ماہ اکبر مکراف شدہ کہ بعضی اوقات

تقوینای جزئی دست خوب نویس میروند محض آنکه از ششم
 امور حاصل باشد چند روز قبل ازین تقوینکه در قایم حرج شده
 بطرف او دخی عازم شده است کلل لازم که با یکدسته قشون باید
 رفته بان محض خواهد شد قشون فرانسه از انورین خوب تقویت
 مینماید و مزاج آنها سالم است همه اسباب و لوازم آنها
 مبیات و در همه جا از آنها پذیرای خوب شده است خوب مکتب
 نویس امن است و وضع احوال در حدطرابلس بسیار خوب
 چین و ماچین از خزینه سنگ گنک برون نامه است
 نوشته شده از وقتیکه در کانتون آتشاش ظهور رسیده است
 امانی چین ثبت با مالی پورتغال حالت عداوت دارند مستحق
 پورتغال که شتم شده کین از امانی چین را بدید انداخته در میان
 فروختگی جنگی بود چنین میکنند هر کاشتی جنگی فریور میجو
 از رودخانه حرکت نماید قلع کب مانع و خارج میشوند با وجودین
 شبانه کشتی فریور خود را همیا کرده و بدون هیچگونه عیاق
 از رود

از رودخانه حرکت نموده است از مستحق فریور که اسیر
 و دستگیر است در ماکاوا استطاق خواهد شد در کانتون
 توشیش کلی حاصل است ازین پایش پاش پورتغال تاریخ
 ستم ماه اکتبر گرفتار شده کشتی لیتی موسوم به پورتغال افریقا
 از کنگو و قنده در مشرق افریقا اخبار آورده و تاریخ آنها هیچ مسلم
 سپتامبر است و اخبار فریور از قراری است که نوشته میشود
 و رود سیر فریور یک کله است در کنگو اسباب خطر است
 جهت مسافرت را که از او پرسیدند چنین جواب داده بود که مسافرت
 او فقط برای ملاحظه کارهای است که با انجام رسیده است ولی در صورتیکه
 بعضی اشکالات بطور رسید اگر معیت دولت انگلیس نمیدانند
 او اتمام خواهد نمود که دولت انگلیس برای معیت نماید اعتقاد او
 این است که مسیو پازا احوال به استانی پول وارد شده ولی
 اسباب لازم برای رفیقان را از آنجا ندارد محتمل است که او
 هنگام رجعت از استان فال استانی را ملاقات نموده

اعتقاد این است که غلات آنها از روی کمال مروت باشد یک
کشتی تجارتی فرانسه بجهت رودخانه کنک و ارو شده است
از بر کسل کلاف کرده اند که چون امانی همان که در مجلس خبر افغان
مجلس خارجه برای سیاحت اوقیانوس شرق و از دست توانسته اند
مجلس سید نزار مارک که بجهت مأموریت لیونتان و سیان باوقیانوس
لازم است فرستاده اند و ایندیشا شاه بزرگ که رئیس شرکاست
مقرر فرموده است که از سخاوت شخصی خود جمیع مخارج مسافرت او را
که دفعه ثانی است باوقیانوس شرق و بدو

اسپانیا روزنامه آژانس فارابا و داشت ذیل را بطبع
رسانیده و ایرابراین است که وزارتخانه های دولت اسپانیا
روزنامه پست و برلن را در باب تحلیف اسپانیا در صورت
وقوع جنگ در مرکز اروپا مهم نمی پندارند و جمع دسته مادر اسپانیا
معتقد بر این هستند که بهترین پلیستیک دولت اسپانیا محض صرفه خود
این است که هیچ وجه مداخله ننمایند دولت اسپانیا محض
که در

که بخلاف صرفه دولت فرانسه باشد که بای پیرنه سرحد طبیعی این
دو کشور فرانسه و اسپانیا است و صرفه اقل این دو دولت این است
که با یکدیگر اتفاق و اتحاد داشته باشند دولت اسپانیا
نیتواند خاکی که در آن سمت کوه های پیرنه باشد طلب نماید از بر چنانکه
بعل آمده معلوم شده است بجهت ضعف دولت اسپانیا مداخله باوقیانوس
در اروپا بوده است که هیچ وجه راجع بآن نبوده از قبیل گفت
فلاندر و اطیش و ایتالیا بوده و مداخله آن باوقیانوس اطراف
در آن وقت بسبب شتاب حقوق شاهزادگان با اصول ملیت
که دیده است هیچ وجه و هیچ صرفه نمی تواند دولت اسپانیا
مجبور بر این نماید که در بر طرف مروت و پلیستیک خود نبست بدولت اروپا
انحراف ورزد و دولت اسپانیا طالب است که باطل اروپا معا
تجارتی را منعقد بدارد زمین لرزه که بعد شش ماهه طول کشید
دیروز هم در بلاد کادیس و ولوا و مادینا سیدونیا بطور رسیده است
از سمت شرق مغرب چون که صدمه نمره و خرابی هم در دنیا شده است

عثمانی روزنامه‌جات آسانوشت تا آنکه در این اواخر یکده از سابقین
دریا در سواحل بحر اسود و منحصراً حول چوش کرج و پاستابل متکثر
زیاد نموده اند و پلیس روس مواظبت داشت که مارتین او سیکر
آنچه تفحص نمود بجای نرسید پلیسهای شهر اودسا بالاخره سابقین را
یاخته و پس از تحقیقات کامله معلوم گردید که بعضی اشخاص بارتیه در کرج
شده است شرکت داشته اند روزنامه‌جات روس مدعی این
مشد که یک نفر از آنها بسلامبول فرار کرده و بنهارت روس متوجه
موجب تکلاف حکم رسیده که او را دستگیر سازند روزنامه فارو
بنفر کثیر از نویسندگان خود را برای تحقیق امطلب فرستاده و او را
فیصل را خبر آورده است از تواریک میگویند قنول دولت انگلیس
در کرج رئیس دسته اشرا بر جری است بعضی میگویند که او اجراء
ترتیب داده است که کشتیهای روس را در بحر اسود غرق نمایند
و برخی معتقدند که مقصود او سرقت بوده بهرجه آنچه معلوم شده
قنول انگلیس از قنول کریم خود در مقامات و یک نفر از جاسوسان

بوقت باو خبر داده که پلیسهای روس بخیل کرشن او رسیده
پس از شنیدن این خبر بچهل تام در کشتی بادی نشسته و در پی
چشمه اکثر شهر اودسا وارو شده بخیل آنکه در آنجا موقع پیدا کرد بطرف
انگلیس برود بدیهی است که این قنول محرم لباس تبدیل شده
ولی بیکه اودسا وارو میشود پلیس مواظب تیار حکم میداد که او را دستگیر
سازند اما هر چه در این باب تفحص کردند بهدر وقت زیرا که قنول فرار
بوسیله بهرستان خود و صندوق بزرگی که ملوانانگاه بود مخفی شده
و صندوق را در فریخته بعد با کشتی روس بسلامبول فرستاده
ازتاریک میگویند حکام روس مراتب را بنهارت خود که در آنجا
تکلاف کرده و بنهارت دولت شاریا بنهارت انگلیس
و کشتی کوپاشد که قنول فراری را دستگیر نموده و تیم حکام روس
معلوم نمیت که چه این اقدامات چه خواهد شد ولی شرت دارد که
دولت انگلیس در قبول خواش دولت روس مضایقه نماید
دولت روس در اسامبول بیابالی آنها را خواهد داشت که او

نبارت روس تسلیم نماید

روسیه از دست پطر بونگ روزنامه اندامدانس نوشته اند
که مجلس قسیمی برای تاسیس امیر بحریه دولت روس ایجاد کرد
برای تجدید نظام قشون بحریه روس نوشته و موضع عالییه تغییرات و
قرار داد و اند اولاً از اجراء اداره مرکز و اجراء بنا در دریای کاشو و
یک اداره مرکزی احداث کرد و که تعلیف آن بیه لازم بحری باشد
ثالثاً در رسیدی در خواستن مدارکات لازم داده شود رابعاً
موجب اجراء وزارت بحریه بقدرت در صد افزوده شود ولی
انعامیکه آنها از خود پس افتاده وزارت بحریه دریافت نموده
موقوف کرد و خامساً اداره اجراء موسوم به آمانا مرکز بحریه
مواقی روزنامه قول وزارت بحریه پنج فروند کشتی را موسوم
به یخنی نوکورد و پطر بونگ و روسیه و کستروما و ولادیک
مقرر داشته است که در محیط بحر چالی مشغول شوند این کشتیا
از سایر کشتیهای دولت روس بزرگتر باشد این کشتیهای
از ک

بزرگ منافع خواهند داشت که اینک تمام سال در حرکت بوده
و همیشه بار داشته باشند با وجودیکه دولت روس همواره آنها
نیاید که کشتیهای مرفور همیشه بار داشته باشند غالباً بکار
اندازه و وقتی که دارند تجارت روس آنها را کفایت نمیکند آنها
تجارت با دول شرقیه نموانند از چین شهر آسانپای حمل شود نظر باینکه
تجارت روس کفایت این کشتی را نمینماید اگر آنها را کشتی
جنگی مبدل نمایند ظاهر افایده اش بیشتر خواهد شد وزارت بحریه
از طرف خود مصمم گردیده که کشتیهای جنگی روس را در بحر خزر
بدارد چون از زمان انعقاد معاهده ترکمان چای که موجب آن دولت
ایران حق ندارد در بحر خزر کشتی داشته باشد کشتیهای نظامی بحر خزر
پکار مانده اند بخصوص از قسیمی که دولت روس در سنه ۱۸۵۶
شست که اس نو و دسک را تصرف نمود ترا که اثر دارد
و شرارت خود کشیده اند و کمپانی قفقاز و مرکور کشتیهای خود
در دریای بحر خزر بجهت حمل و نقل امتعه تجارتی بکار انداخته اند

مصر از قاهره روزنامه استاندارد نوشته اند که حکام محلیه
مصر اعلیٰ متصرفشون جدیدی اچیز کرده آنها را دو بد و ار کردن بجهت
و دسته دسته بطرف سودان روانه نمایند کفیل کرده اند که در
مصری خدمت میکند میگوید اقداماتی بعمل نیاید که رفع این حرکت
ظالمانه را بنمایند

از لندن تباریخ دوازدهم ماه اکتبر تکلف شده که روزنامه
جبری شهرت داده بموجب آن دولت عثمانی مطلب وزارت
امور خارجه دولت انگلیس را قبول کرده است و مطالب
روابط تجارتی مابین دو قسطنطنیه و عثمانی است که هر
اقتصاد ممالک انگلیس داخل خاک عثمانی میشود از قمارت و
حقوق گمرکی اخذ شود

از سنت پترزبورگ تباریخ دوازدهم ماه اکتبر تکلف شده است
که واردات دولت روس سال تا اول ماه ژوئن به چهار
هشتاد و پنج کرو و صد و نود و هشت هزار و صد و سی و دو منات
بود

در آن روز

و این واردات متعلق پنج ماد است و حال آنکه واردات سینه
بجهت همین مدت چهار صد و نود و هشتاد و دو منات و سه هزار و
چهار صد و سی و هشت منات بوده است مخارج اسلحه بجهت مدت
همین پنج ماه پانصد و سی و هشت کرده و صد و هشتاد و نه هزار و صد
یک منات بوده است و مخارج سال گذشته در همین
پانصد و یازده و دو و دویست و نود و هشت هزار و صد و
پست منات بوده است

رومانی مخبره از ونیه رسیده و ایر بر این است
که بعضی از سربازان رومانی از سرحد گذشته و سرباز خانها
اطیش را که مشرف بر معبر و لکن و در کوههای جنوبی کاپا
واقع است تصرف نموده اند و بهانه آنها این بوده که این
واقع در خاک رومانی است یک دسته از قشون پایدار نظامی
سرباز خانهای فرنیور را مجدداً بحقیقت تصرف در آورده و چند
از سربازهای رومانی اسیر نموده اند و لکن چینی

رودخانه دانوب منتی گردیده و از سمت مجارستان سیح بل
محکم یافته عده مشرف بر آن نیست و ولین اطیش در و
این شهر را مهم نمی پندارند

اسپانیا از ماوید تاریخ دوازدهم ماه اکتبر نوشته اند
که در ولایت کاستلون سیل زیاد لطمه خسارت کلی وارد
آورده و شت نفر هم هلاک شده اند در ولایات والانس و
سیل زیاد آمده و آمد و شد راه آهن سیو د اورال مسدود
در روزنامه اندپانانس مورخه پست و یکم ماه اکتبر نوشته است
مواشی اخباریکه از پاریس رسیده معلوم میشود که در تن کن وضع
احوال بطوری است که بود بعضی از قشون چینی سبب نام
حرکت کرده اند و هزار و پانصد نفر از قشون چین از طرف شمال
بهره نام پیش رفته ولی ما دایمیکه قشون چینی از سرحد نام
تجاوز ننموده است نمیتوان در صدد دفع آنها برآمد
کاشته روزنامه ونیه در فرانکفرگراف نموده است که از زمان
لندن

سافرت ایلجیث شارل پادشاه رومانی برلین و ونیه
سیو براتیانو با پرنس دو پرنس مارک وکت کانوکی وضع
تفصیل احداث پل روی رودخانه دانوب تغییر کرده است
باین معنی که دولت رومانی از مخالفت خود غم مجاریست
لندن را صرف نظر نخواهد کرد و غم مجاریست فروردین مجلس
قیتین شملت بوده و دولت اطیش در مجلس قیتینو از جمله
دولتی محبوب باشد که در عمل رودخانه دانوب مدافعه داشته
این تفصیل اگر چه کرات نوشته شد است معذرا خبر صریح قطعی
با وجود اینکه مدتی است سیو براتیانو برلین و ونیه رفته
دولت رومانی بموجب هیچ سند قصد خود را ظاهر ندانسته
از اینکه در مطب فروردین که معاظه آخر لندن را مندرج است
رای خود را منوط بآرامی دول نماید

پرتغال در مملکت پرتغال میان وزرا غلظه نفاق
آمده و این نفاق میان وزیر داندو سائر وزرا بواسطه نفاق

بطور رسید است و نیز داخله استفا کرده و موافق
 محاربه که از زمین رسیده است سایر وزیران نیز استفا خواهند
 موافق اخباریکه از اسپانیا رسیده است اعتشاشی که
 در پرتغال روی داده است پشتر از آن است که محاربات
 پرتغال اظهار داشته اند سربازیکه مأمور شده اند جرات
 کرده اند در ویلانووا اعتشاش روی داده و قشون چون
 شوانته است آنرا دفع نماید از شهر پرون رفته است محاربات
 اسپانیا ضما دایر بر این است که در شهر پرتو و جابامی و کیر
 مجلس بر ضد دولت پرتغال منعقد شود ولی روزنامه
 پرتغال میگوید که در محاربات اسپانیا در بالیتشکا
 پرتغال اغراق شده و حتی میگویند دولت اسپانیا
 شهر کو رابادولت پرتغال چندان مودت ندارد
 چین و تن کن از جزیره هنگ کنگ تا پنج مپت و نیم
 اکبر روزنامه استناد دارد که اف شده که از زمان اعتشاش

جدید در کانطن از طرف امانی نسبت با مانلی پرتغال علایم عداوت
 بطور رسیده است و این عداوت بواسطه نزاعی است که بین
 یک نفر از مانلی چین و یک نفر از مانلی پرتغال روی داده و شخص صینی
 خود را در آب انداخته غرق گردیده است و آن پرتغالی را شتم
 بر این نموده اند که آن شخص صینی را در آب انداخته است شخص
 پرتغالی را دستگیر نموده و در ماکو او را از او استنطاق خواهند
 سوئیس در باب کیفیت جدید که این او آخر بواسطه بود
 قشون فرانسه در ساووا روی داده است اغلب از روزنامه
 فرانسه اظهار داشته اند که دولت سوئیس در سنه هزار و
 هشتاد در تصرف ولایت فربور مضائقه نمود و حال آنکه بموجب
 معاهده وینه دولت شارلیا میبایستی اخبار تصاحب نماید
 چنانچه یکم شش روزنامه اندیاندانش میگوید نمیتواند
 صحت ندارد ولی یقین است که در سنه هزار و شصت و هشتاد
 حاکم ولایت ساووا شورای دول متحابه سوئیس اظهار داشت

که آیا شورای مزبور طالب است بر اینکه بموجب معاهده ۱۸۱۵
حقوق خود را تصاحب نماید شورای نویسنده در جواب گفت
در این باب تامل دارد و اظهار داشت که باید قبل از وقت با دو
مذاکرات بنماید

مصر دولت مصر متصرفانه است که قریه شات بی که در نزد
اسکندریه واقع است تخلیه شود چونکه دوسه روز است که من
و با مجدداً در آنجا بطور رسیده است و جمع کثرت آنجا به کامیابی
رفته اند و دو دفعه بطور و بار در اسکندریه بدو جهت داشته
یکی بجهت تحفوت قنات کوچکی است که بواسطه باران پر شده
و مردم از آنجا برای شرب آب بر می دارند و جهت دیگر که
اقدامات حفظ صحت است که بواسطه حکام دستور العمل داده
شده بود و مردم رفتار کرده اند

تحریر جان شامی و ترجمه میرزا علیخان





